

چرا گرگدن مو نداشت



✎ Basilio Gimo, David Ker

✑ Carol Liddiment

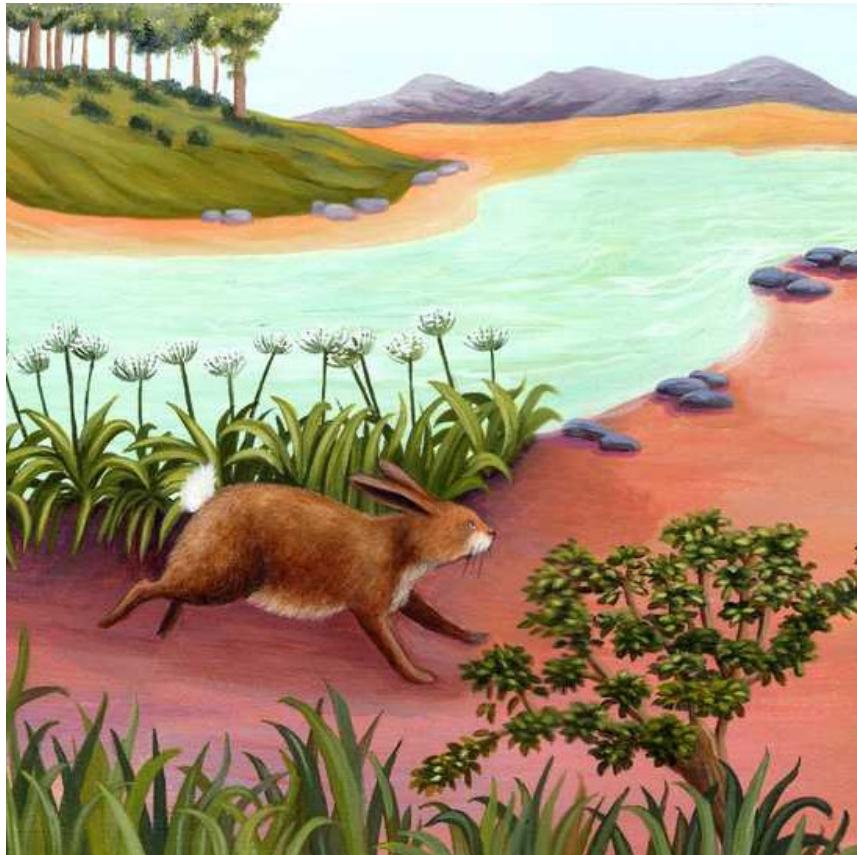
💬 Marzieh Mohammadian Haghghi

💬 Persian

🔊 Level 2



پک روز، خرگوش داشت که نارِ رودخانه را
می‌رفت.



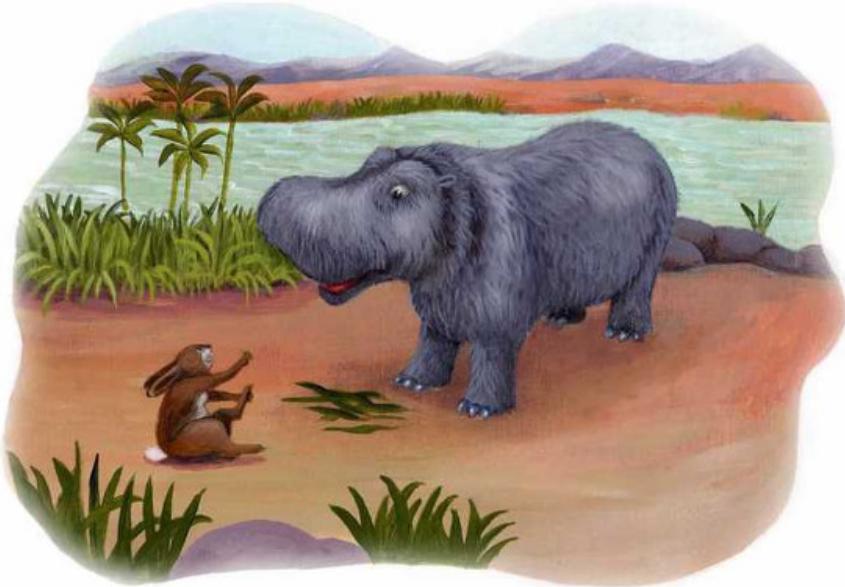


گرگَن هَم بِرَايِ قَدَم زَدَن وَ خورَدَن مِقدارِي عَلَفِ
سَبِزِ دِلپَذير آنجَا بُود.



گرگَن خَرْگُوشِی را که آنجا بود نَدید و اِتفاقی روی پایِ خَرْگُوشِ ایستاد. خَرْگُوشِ شروع به جیغ جیغ گردَن سَرِ گرگَن گرد، "هِی تو گرگَن! مُتَوَجِّه نیستی که روی پایِ من ایستاده ای؟"

گرگَن اَز خَرگُوش عُذرخواهی گَرد، "مَن خِيلی
مُتاسِفَم. مَن تو را نَدیدم. خواهِش می‌گُنم مَن را
بَخش! "ولی خَرگُوش گَوش نِمی‌داد و سَرِ گرگَن
داد زَد و گُفت "تو اَز عَمد این کار را گَردی! پِک روز،
خواهی دید! تو باید تاوانِ این کارت را بَدهی."



خَرْگُوش رَفَت تا آتَش پِيدا كُند وَكُفت، "بُرو، وَقْتِي
كِه گَرَگَدَن أَزْآب بِيرُون آمَد تا عَلَف بِخُورَد، او را
بِسُوزان. او روِي مَن پَا گَذَاشت!" آتَش پَاسْخ داد،
"هِيج مُشكِلى نِيست، خَرْگُوش جَان، دوستِ مَن،
مَن آنِچِه را كِه تو خَواستِي آنجام مِي دَهَم."



بعداً، گرگَدن داشت دور از رودخانه عَلف می خورد که ناگَهان، آتش او را فَرا گِرفت. آتش زَبانِه کِشید. شُعله های آتش شروع بِه سوزاندَن موهای گرگَدن گردند.



گَرگَدَن شُروع بِه گِريه گَرد وَبِه سَمت آب دَوَيد.
تمَامِ موهايَش با آتش سوختِه بود. گَرگَدَن بِه
گِريه گَرَدَنَش إِدامَه داد وَگُفت، ”موهَايِ منَ درآتَش
سوخت! هَمَه يِ موهَايِ منَ گَنِدَه شَد! موهَايِ
قَشَنَگَم!“



خَرْگُوش خوشحال بود از اینکه موهای گرگَدن
سوخته بود. و تا امروز به خاطِرِ ترس از آتش،
گرگَدن هیچوقت دورتر از آن رودخانه نرفته است.





Storybooks D.C.

global-asp.github.io/storybooks-dc

چرا گرگدن مو نداشت

Written by: Basilio Gimo, David Ker

Illustrated by: Carol Liddiment

Translated by: Marzieh Mohammadian Haghghi

This story originates from the African Storybook (africanstorybook.org) and is brought to you by **Storybooks D.C.** in an effort to provide children's stories in DC's many languages.



This work is licensed under a Creative Commons
[Attribution 3.0 International License](https://creativecommons.org/licenses/by/3.0/).